

جایگاه شاخص توسعه در کردستان

کردها هر زمان در برابر آئینه تاریخ قرار می‌گیرند، با دو تصویر خوب و بد که متفاوت و متضاد از هم هستند رو به رو می‌شوند. یک تصویر، کردها را مردمانی رشید، دلاور و مرزدارانی غیور نشان می‌دهد که در راه سربلندی و استقلال ایران از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و همیشه آماده فداکاری و ایثار هستند. از سوی دیگر، گاه همین آئینه از کردها چهره‌ای خشن، نامهربان و یک تهدید برای امنیت ملی به نمایش می‌گذارد. کردها در یک چهره نگاهبانان کشور و مرزدارانی دلیر هستند که مرزهای غربی کشور را همچون جان عزیز می‌دارند و در چهره دیگر آشوب طلب و دست به اسلحه نمایانده می‌شوند. این پارادوکس و تضاد در به تصویر درآوردن کردها، جایگاه ویژه‌ای به آنها بخشیده است.

حال یکی از پرسش‌هایی که می‌تواند در ذهن ایجاد شود، چگونگی برخورد دولت با این مسئله است. دولت مرکزی چه اقدامات عاجلی را به منظور تقویت چهره بهتری از کردستان انجام داده است و به منظور حل این پارادوکس، در این ۲۵ سال چگونه عمل کرده است؟

اکثر آمارهای رسمی و غیررسمی و شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی وضعیت کردستان را بسیار بد توصیف می‌کند و به لحاظ رتبه‌بندی در مقایسه با استان‌های دیگر در رده‌های آخر جای

می‌دهد. از طرف دیگر به منظور کاهش هر گونه تهدید احتمالی نسبت به امنیت ملی و رفع این نابرابری، به تعامل بیشتر بین مردم کردستان و دولت مرکزی نیازمندیم. این تعامل با ایجاد اعتماد بیشتر مردم نسبت به حکومت مرکزی ایجاد می‌شود. اما باز متأسفانه عملکرد دولت مرکزی در جلب اعتماد مردم چندان موفق نبوده است. به طور نمونه سهم مردم کرد در مدیریت کلان، منطقه‌ای و محلی در مقایسه با سایر استان‌ها بسیار پایین است و این به افزایش عدم اعتماد متقابل میان دولت و ملت منجر می‌شود.

در این یادداشت، در توضیح بیشتر این موارد، وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی استان کردستان و تعداد دیگری از متغیرهایی که قابل دسترس هستند، در مقایسه با سایر استان‌ها معرفی می‌شود، همچنین نمونه‌هایی آماری از شاخص سهم مدیریت مردم کرد در اداره کردن حکومت و درجه اعتماد مردم کرد به حکومت مرکزی را نشان خواهیم داد.

بررسی شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی

پس از گذشت دو دهه از انقلاب ایران که منجر به برپایی نظام اسلامی در کشور گردید، تحولات مهمی در عرصه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی در کشور شکل گرفته است و تا کنون بررسی‌های زیاد و عمدتاً پراکنده در زمینه رتبه‌بندی استان‌های کشور از حیث برخورداری از شاخص‌های توسعه انسانی، اقتصادی و اجتماعی صورت پذیرفته است. این مطالعات، بیش از انقلاب آغاز شد و تا امروز نیز ادامه دارد.^۲ تعدادی از این مطالعات را به ترتیب تاریخی و به صورت بسیار خلاصه مورد توجه قرار می‌دهیم:

طبقه‌بندی استان‌های کشور، مدلی برای تعیین اولویت‌ها در کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای؛ این پژوهش در سال ۱۳۵۶ توسط دفتر پروژه‌های عمرانی معاونت انفورماتیک سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است. هدف آن ارزیابی تفاوت‌های موجود میان استان‌ها و عدم توازن موجود در توزیع امکانات می‌باشد.

نتیجه گزارش حاکی از آن است که استان مرکزی در ۵۰ شاخص نمونه به عنوان استان ایده-آل، استان‌های کردستان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد به عنوان محروم‌ترین استان‌های کشور معرفی شده‌اند.^۳

طرح مقدماتی شناسایی مناطق محروم: این مطالعه را سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۱ آغاز کرد. در این مطالعه با استفاده از هشت شاخص عمده اجتماعی و اقتصادی به ترتیب استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، کردستان و سیستان و بلوچستان به عنوان محروم‌ترین استان‌های کشور معرفی شدند.^۲

مقدمه‌ای بر علل نابرابری منطقه‌ای در ایران: این مطالعه در سال ۱۳۷۳ برای دو شاخص مجزای تولید ناخالص داخلی سرانه، و هزینه مصرفی خصوصی سرانه استان‌های کشور را رتبه‌بندی و طبقه‌بندی نموده است. استان تهران در مقام نخست و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و کهگیلویه و بویر احمد در پایین‌ترین گروه‌های درآمدی قرار داشته‌اند.^۵

اولین گزارش ملی توسعه انسانی^۶

اصولا در بیان وضعیت توسعه یافتگی از سه شاخص، توسعه انسانی (HDI)^۷ توسعه انسانی تعدیل یافته براساس جنسیت (GDI)^۸ و شاخص فقر انسانی (HPI)^۹ استفاده می‌شود. این شاخص‌ها از نوع شاخص‌های ترکیبی هستند، بدین معنا که هر کدام با گرفتن میانگین وزنی چند شاخص دیگر ساخته شده‌اند. مثلا شاخص توسعه انسانی، شاخصی است که نشان دهنده وضعیت هر جامعه برای دستیابی به زندگی اجتماعی بهتر است و از سه شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان، امید به زندگی و تولید ناخالص سرانه تشکیل شده است. این شاخص بین صفر و یک قرار می‌گیرد که هر چه به یک نزدیکتر باشد نشانه وضعیت بهتری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



شاخص فقر انسانی نیز در رابطه با انسان تعریف می‌شود و نیازهای او را در زمینه فقر مدنظر قرار می‌دهد. همچنین با توجه به این که نیازهای انسان در ابعاد مختلف نمایان می‌شود، شاخص فقر انسانی ترکیبی از شاخص‌های مختلف است که فقر را در زمینه‌های اجتماعی، بهداشتی و مسلمان اقتصادی نشان می‌دهد. شایان ذکر است که شاخص فقر انسانی علاوه بر محورهای ذکر شده زیر بخش‌های دیگری را نیز شامل می‌شود، مانند جمعیت زیر خط فقر، جمعیت فاقد دسترسی به آب سالم و ...

جدول شماره (۱) وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی و فقر انسانی را برای چند استان نمونه نشان می‌دهد، در این جدول هم مقدار شاخص و هم رتبه استان در بین ۲۶ استان مشخص شده است.

جدول (۱): شاخص توسعه انسانی استان‌ها، سال ۱۳۷۵

رتبه	HPI	رتبه	HDI	استان
۲۳	۳۰/۴	۲۱	۰/۶۵	آذربایجان غربی
۱۴	۲۳/۷	۲۰	۰/۶۷۵	ایلام
۲۴	۳۱/۷	۲۵	۰/۶۱۹	کردستان
۱۶	۲۴/۸	۹	۰/۷۴۷	کرمانشاه
۱	۱۱/۳	۱	۰/۸۴۲	تهران
۳	۱۵/۴	۶	۰/۷۸۹	اصفهان
	۲۱/۴		۰/۷۹۰	کل کشور

منبع: گزارش توسعه انسانی جمهوری اسلام ایران، ۱۳۷۸

از نظر شاخص توسعه انسانی، تهران با رقم ۰/۸۴۲ بهترین وضعیت را دارد و استان کردستان بعد از سیستان و بلوچستان با رقم ۰/۶۱۹ و با رتبه ۲۵ بدترین وضعیت را دارد. این تفاوت ریشه در فقدان امکانات، سرمایه، منابع اقتصادی و از همه مهم‌تر محدودیت خدمات آموزشی اعم از آموزش عمومی، متوسطه و عالی دارد و به طور کلی از نابرابری تخصیص منابع بین استان‌ها حکایت دارد. از طرف دیگر از لحاظ شاخص فقر انسانی نیز باز هم استان تهران با رتبه اول و استان کردستان بعد از سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویر احمد، رتبه ۲۴ را دارد. تفاوت شاخص فقر انسانی بین استان تهران و اصفهان از یک طرف و استان‌هایی مثل کردستان و

سیستان و بلوچستان از طرف دیگر نشانه‌ای از عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نابرابری توزیع درآمد در کشور است.

برخی از سایر متغیرها و آمارهای پراکنده

در جدول شماره (۲) نیز قسمتی دیگر از آمارهای مختلف که وضعیت اقتصادی مردم کردستان را نسبت به سایر استان‌ها نشان می‌دهد، آورده شده است. در این جدول متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و یک خانوار روستایی را نشان می‌دهد که استان کردستان به ترتیب رتبه ۲۷ و ۲۶ را به خود اختصاص داده است و همچنین از لحاظ بیکاری استان کردستان با ۲۱/۵ درصد بیکاری بعد از استان کرمانشاه بدترین وضعیت بیکاری را دارد.

جدول (۲): درآمد سرانه و بیکاری در استان‌های ایران

وضعیت بیکاری** بهمن ۱۳۸۱		متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی* ۱۳۷۸		متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری* ۱۳۷۸		استان
رتبه	درصد بیکاری	رتبه	هزار ریال	رتبه	هزار ریال	
۸	۱۸	۹	۱۲۳۴۶	۱۴	۱۶۲۱۹	آذربایجان غربی
۱۸	۱۵	۱۴	۱۰۷۸۲	۱۳	۱۶۲۲۶	ایلام
۲۷	۲۱/۵	۲۶	۷۲۱۰	۲۷	۱۱۴۰۹	کردستان
۲۴	۱۶/۵	۲۸	۵۹۱۲	۲۸	۱۱۳۵۵	کرمانشاه
۱۳	۱۲	۳	۱۴۷۷۹	۲	۲۳۴۸۳	تهران
۱۲	۱۰/۹	۱۷	۹۹۹۱	۶	۱۷۴۷۴	اصفهان
	۱۲/۲		۱۱۵۶۲		۱۸۵۶۵	کل کشور

ماخذ: * مرکز آمار ایران ۱۳۷۸ ** مرکز آمار ایران بهمن ۱۳۸۱

سهام مدیریت مردم کرد در اداره کشور

مشکلات سیاسی، نگرش امنیتی به کردها و کردستان یکی از بزرگترین معضلات کردستان و مناطق کردنشین است. این مشکل خود بستر ساز و موجد زمینه برای ایجاد مشکلاتی دیگر است. علی‌رغم مشارکت قابل توجه حضور مردم کرد در انتخابات مختلف که در سالیان گذشته انجام

شده است^{۱۱}، هنوز با شفافیت و روشنی می‌توان بی‌اعتمادی حکومت مرکزی را نسبت به این منطقه ملاحظه کرد. این بی‌اعتمادی را به ویژه در به بازی نگرافتن کردها در مدیریت سطح کلان شاهد هستیم که به نوبت خود به بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت مرکزی منجر شده است. به طوری که ۵۳/۵ درصد مردم سنندج^{۱۲} (به عنوان بالاترین درصد در بین تمامی مراکز استان‌ها) معتقدند حکومت مرکزی برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قابل نیست. این رقم در مقایسه با میانگین کل مراکز استان‌ها - ۲۱/۵ درصد - رقم قابل ملاحظه‌ای است.

سهم کردها در مدیریت کشور با آغاز انقلاب ۱۳۵۷ تغییر جدی کرد به صورتی که در بهمن ۱۳۵۷ اولین استاندار کرد سنی به کار گمارده شد و به همراه خود مدیران و معاونان کرد در سطح منطقه به کار گرفته شدند اما با ناآرامی‌های سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ با تغییر اساسی در سطح منطقه مواجه شدیم. به طوری که حضور نیروهای کرد محلی در مدیریت استان به حد صفر رسید. دوباره در سال ۱۳۷۶ با حضور آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور تغییرات کلی در سطح مدیریت منطقه رخ داد و دومین استاندار کرد به کار گمارده شد و اکثر مدیران، بخشداران، معاونان ادارات و شهرداران از افراد بومی و محلی انتخاب شده‌اند.

ضمن پذیرش تحولات ارزشمند و تغییرات مناسبی که در راستای شایسته‌سازی و بومی‌گرایی - توامان - در شبکه مدیریت استان در سال‌های اخیر ایجاد شده است، لازم به یادآوری است هنوز مردم کرد در سطح مدیریت کلان سهم قابل توجهی ندارند. از آنجا که نیروی انسانی هر جامعه، مهمترین سرمایه اصلی آن جامعه در مسیر توسعه و پیشرفت است و در این میان نقش مدیران اهمیت ویژه دارد، از سوی دیگر گسترش مشارکت مردم هر منطقه در اداره امور نیازمند نیروی انسانی کارآمد و مدیران توانمند است، این سوال مطرح می‌شود که چرا سهم کردها در شبکه مدیریت ملی کم است؟ بر این پرسش دو پاسخ می‌توان داد؛ یکی آن که گفته شود در منطقه نیروی توانمند وجود ندارد، در این صورت بی‌توجهی نظام به تربیت نیروی کارآمد مطرح می‌شود و این که چرا طی بیست و پنج سال گذشته نتوانسته یا نخواسته مدیران توانمند پرورش دهد.

و پاسخ دوم این که بگوییم نیروی توانمند وجود دارد. اگر چنین است، پرسش دیگری مطرح می‌شود، که علت عدم به کارگیری آنها چیست؟ گروهی برآنند که نگرش‌های سیاسی و امنیتی مانع پیوستن کردهای سنی به برخی از سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای سیاسی، امنیتی و نظامی و حتی فرهنگی در سال‌های اخیر شده است. امری که خود بیانگر همان ضعفی است که در نگاه پارادوکسیکال نظام در مورد دو چهره نظام در مورد دو چهره کزدستان بدان اشاره شد. به قراری که از شاخص‌های پیش گفته برمی‌آید، با گذشت ۲۵ سال از انقلاب وضعیت توسعه‌ای استان کردستان،

شاید در مقایسه با سال‌های گذشته خود ارتقا یافته باشد اما در مقایسه با سایر استان‌های کشور هنوز در پایین‌ترین رتبه‌بندی جای دارد و از لحاظ اعتماد به حکومت مرکزی نیز به همین. این شاخص‌ها نشانه‌های از توجه ناکافی دولت به استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌ها است که بازنگری مجددی را از جانب دولت به این استان می‌طلبد.

نسخه ۸۷

یادداشت‌ها:

۱. توکلی، خالد، کردستان و دوم خرداد، انتشارات فکر نو، تهران، ۱۳۷۹.
۲. جامع‌ترین این مطالعات مربوط به سال ۱۳۷۵ است، آن هم به علت آن که در سال ۱۳۷۵ آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن و طرح آمارگیری جاری جمعیت مربوط به این سال است.
۳. سازمان برنامه بودجه، طبقه‌بندی استان‌های کشور، مدلی برای تعیین اولویت‌ها در کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای، سال ۱۳۵۶.
۴. سازمان برنامه و بودجه، طرح مقدماتی شناسایی مناطق محروم، سال ۱۳۶۱.
۵. اسکندری، آتوسا، دسته‌بندی استان‌های کشور از حیث برخورداری از شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، مجله برنامه و بودجه، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، خرداد ۱۳۷۹.
۶. این گزارش اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران است که در سال (۱۳۷۸) توسط سازمان برنامه و بودجه با کمک سازمان ملل متحد تهیه و تنظیم شده است.

7. Human Development Index (HDI)

8. Gender - related Development Index (GDI)

9. Human Poverty Index (HPI)

۱۰. در سال ۱۳۷۵ این رتبه‌بندی در بین ۲۶ استان صورت گرفت و دو استان گلستان و قزوین هنوز تشکیل نشده بود.
۱۱. در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ حضور مردم کردستان بیش از ۸۰ درصد بوده است که بالاتر از میانگین کل کشور است.

۱۲. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، پاییز ۱۳۸۰.